

Original Article

Exploring the Obtainment of Entrapment-Based Penal Proof With the Observance of the Citizenship Rights in Trial Stages

Esmacil Ghamari¹, Akbar Varvaei^{2*}, Masoud Ghasemi³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran; Department of Criminal Law and Criminology, Kermanshah Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Professor and faculty member, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran. (Corresponding author)
Email: akbarvarayi@iran.ir
3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Received: 21 Aug 2018 Accepted: 7 Jun 2020

Abstract

Unraveling of the Perpetrated Offences has Become a Difficult and Complicated Task Due to Various Reasons With the Entry of the Novel Technologies and Use of new Instruments in the Organized Crimes in Such a Way That the Agents Responsible for the Discovery of the Offences Have Exited Their Prior Passive States and are Actively Organizing Their Investigations. The Results Have Shown That the Victimless Crimes, Offences Perpetrated With the Satisfaction of the Parties And the Crimes for Which the Victims do not Complain due to Being Fearful or Having no Knowledge of the Crime's Occurrence Fall in This set of Offences. Crimes Like Drug Abuse, Sexual Abuse and Economic Transgressions and Some Others Explicitly Model the Present Study's Issues. In Fact, the Study Aims at Investigating the Extent to Which Entrapment-Based Proof Collection Can be Accepted and the Study's Most Important Problem is Whether Entrapment-Based Substantiations are Accepted During the Criminal Trials Based on Iran's Penal Lore or Not? In the Penal Laws of Our Country and Following the Lead of the Evident Religion of Islam and the Sure Constitutional Acts, Protection of the Individuals' Privacy and Citizenship Rights is Superior to the Unveiling of the Crimes Hence Entrapment is not Accepted and it Lacks Legal Legitimacy Before the Judicial Authority Who Issues Sentences Relying on his Honor and Conscience. In the Islamic Laws That are Interlaced With the Observance of the Legal Principles Due to Relying on the Law of Protecting the Human Security, Veneration and Privacy and Respecting the Citizenship Rights, All of the Trial Stages Should be Held in Adherence to the Explicit Text of Law. Resultantly, Resorting to Entrapment Does not Feature Legal Value and Credibility for the Judicial Authority. The Study Method of This Article is Descriptive-Analytical.

Keywords: Entrapment; Citizenship Rights; Privacy; Criminal Trial; Agents

Please cite this article as: Ghamari E, Varvaei A, Ghasemi M. Exploring the Obtainment of Entrapment-Based Penal Proof With the Observance of the Citizenship Rights in Trial Stages. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 259-273.*

واکاوای تحصیل دلیل کیفری ناشی از دام‌گستری، با رعایت حقوق شهروندی در مراحل دادرسی

اسماعیل قمری^۱، اکبر وروایی^{۲*}، مسعود قاسمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران؛ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استاد و عضو هیأت علمی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: akbarvarayi@iran.ir

۳. استادیار و عضو هیأت علمی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

چکیده

با ورود تکنولوژی‌های جدید و بهره‌گیری از ابزار جدید در بزه‌های سازمان‌یافته، پرده برداشتن از بزه ارتكابی بنا به دلایل گوناگون کار سخت و پیچیده‌ای شد، به شکلی که مأمورین کشف بزه ارتكابی از حالت منفعل بودن بیرون آمده و تحقیقات خویش را به شکلی فعالانه سامان‌دهی می‌نمایند. نتایج نشان داده است که بزه‌های بدون قربانی، جرائم همراه با رضایت طرفین و جرائمی که قربانی آنان به خاطر ترس یا عدم اشراف از حدوث بزه ارتكابی شکایتی نمی‌کند، از این نوع از جرائم هستند جرائم مواد مخدر، جرائم جنسی، جرائم اقتصادی و ... مدل‌های صریح این مسأله می‌باشند در واقع هدف ما این است که بررسی نماییم تحصیل دلیل از طریق دام‌گستری تا چه میزان مورد پذیرش واقع می‌گردد و مهم‌ترین مسأله ما نیز این است که آیا در طی دادرسی کیفری در حقوق جزایی ما استناد به دام‌گستری پذیرفته هست یا خیر؟ در حقوق جزایی کشور ما با پیروی از دین مبین اسلام و اصول مسلم قانون اساسی، حفظ حریم خصوصی و حقوق شهروندان، در اولویت پرده برداشتن از بزه ارتكابی بوده و دام‌گستری پذیرفته نیست و دارای مشروعیت قانونی نزد مقام قضایی که با تکیه بر شرف و جدان خود حکم صادر می‌نماید نمی‌باشد. در حقوق اسلامی که با تکیه بر قانون حفظ امنیت و کرامت و حریم خصوصی و احترام به حقوق شهروندان با رعایت اصول حقوقی گره خورده است لذا تمام مراحل دادرسی باید مطابق نص صریح قانون باشد در نتیجه تمسک به دام‌گستری، نزد مقام قضایی از ارزش و اعتبار قانونی برخوردار نیست. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلید واژگان: دام‌گستری؛ حقوق شهروندی؛ حریم خصوصی دادرسی کیفری؛ مأمورین

مقدمه

دام‌گستری «روشی است که در اکثر نظام‌های حقوق جزایی دنیا به جهت دستگیری متهمین پذیرفته شده است. این شگرد نزدیک شدن به متهمین و تحریک آنان به مرتکب شدن بزه ارتكابی را مشمول می‌گردد و بر مرتکب شدن بزه ارتكابی نیز اثر می‌گذارد. در این شیوه مأمورین با ایجاد نمودن ارتباط صمیمی با شخص یا اشخاص مذکور فرصت مرتکب شدن بزه ارتكابی را به جهت آنان مهیا می‌کنند، اما این پرسش طرح می‌گردد که آیا هر تحریکی که از جانب مأمور شکل بگیرد دام‌گستری محقق شده است؟ آیا در سیستم حقوقی ما که برگرفته از تعالیم دینی است، که به حفظ کرامت و حقوق شهروندان تأکید شده است این نوع تحصیل دلیل را پذیرفته‌اند؟ در مواردی که بزه اتهامی ایراد صدمه بدنی یا تهدید به آن است و تعقیب به خاطر ایراد صدمه به شخصی است که در ایجاد نمودن تحریک جایگاه و جایگاهی نداشته، دام‌گستری محقق نشده است چون ارکان متشکله بزه ارتكابی هیچ وقت حادث نمی‌گردد. در این مقاله درصدد آن هستیم که تحصیل دلیل جزایی ناشی از دام‌گستری، با رعایت حقوق شهروندی در مراحل دادرسی را مورد مطالعه قرار دهیم و به این پرسش پاسخ دهیم که: مسؤلیت جزایی متهم تحریک شده چقدر است و چیست؟ آیا مأمورین در این شکل مسؤلیت دارد؟ در حقوق موضوعه، مقرر است که: «گزارش ظابطان در شکلی ارزشمند است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند» آیا مأموری که به جهت پرده برداشتن از بزه ارتكابی مبادرت به تله‌گذاری می‌کند، می‌تواند شخصی موثق و مورد اعتماد باشد؟ علاوه بر این، قانون آیین دادرسی در شق ۲۱۲ خود اشعار می‌دارد «دادگاه پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان ... مبادرت به صدور آن می‌نماید ...». به نظر نمی‌رسد شرافت امر قضا و وجدان قاضی اجازه دهد حیل و فریب به کار رفته به واسطه مأمورین را مبنای صدور حکم قرار دهد.

۱- تاریخچه

با مطالعه‌ای به روش‌های کشف نمودن بزه در تاریخ بشری محرز می‌گردد که همان ابتدا کشف جرایم به شیوه

دام‌گستری رواج بوده است و این روش توسط مقامات مربوطه به کار گرفته شده بود عده‌ای از حقوقدانان فرانسوی بر این باور بودند که این شیوه از زمان شوالیه‌ها مورد بهره مقامات مربوطه قرار می‌گرفته است. چنان‌که آنها با تغییر دادن در قیافه و با در کمین نشستن در پی دستگیری متهمین فراری برمی‌آمدند (۱). در ایران نیز پرده‌برداری از جرم به طرق دام‌گستری به ویژه در جرائم مواد مخدر و قاچاق به انگیزه شناسایی و کشف مجرمین از طرق متداول مبارزه با بزهکار و بزهکاری محسوب می‌گشت و در عمل هم اقدام چنین مأموری نه‌تنها مورد تعقیب قضایی قرار نمی‌گرفته بلکه عمل وی به طور ضمنی مورد تأیید مقامات مذکور واقع می‌گردیده است (۲).

در اسلام سازمانی ویژه جهت بازرسی و تحقیق پیرامون بزه وجود نداشته ولی بعدها این وظیفه به عهده سازمانی به نام شرطه گذاشته شد که سازمانی اداری - اجرایی بود و به تدریج به یک سازمان قضایی تبدیل گشت (۳). قبل از تشکیل این سازمان هم در اسلام ما شاهد به‌کارگیری دام‌گستری برای اثبات جرم و تحصیل دلیل در برخی از جرائم می‌باشیم.

در گذشته در اکثر کشورها متهمی که به طرق دام‌گستری مرتکب جرم گردیده یا به این طریق جرم وی کشف شده و علیه وی تحصیل دلیل صورت گرفته هیچ دستاویزی برای تبرئه یا تخفیف مجازات خود نداشت. نخستین بار چنین اقداماتی در حقوق آمریکا در دادگاه عالی در دعوی (sorrels V united state) در سال ۱۹۳۲ به‌عنوان یک دفاع تحت عنوان دام‌گستری (entrapment) شناخته شد.

تقریباً در حقوق سایر کشورها از جمله ایران دفاعی تحت عنوان دام‌گستری مورد پذیرش مقنن و قضات قرار نگرفته و تنها در برخی کشورها آثاری (مانند تخفیف مجازات و ...) بر متهمانی که به دفاع دام‌گستری متوسل می‌شوند باز می‌گردد.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- تعریف دلیل جزایی: دلیل به‌عنوان وسیله ثبوت

حقیقت، در امور جزایی از اهمیت خاصی برخوردار است. دلیل در عالم حقوق، به جهت تشخیص و پرده برداشتن از حقیقت به کار می‌رود و وظیفه دادرس چیزی جز دستیابی به آن

نیست. از آنجا که در امور جزایی، مرتکب شدن بزه ارتكابی، باعث ایجاد نمودن اختلال در نظم و امنیت اجتماع می‌شود و هدف دعوی جزایی، پرده برداشتن از حقیقت و دستیابی به بزه‌کار واقعی به جهت اعمال کیفر است، علاوه بر مقام تعقیب یا شاکی، قاضی جزایی نیز در شکل ضروری باید به کامل نمودن دلایل و حتی تحصیل دلیل جدیدی که در نتیجه محاکمه تأثیرگذار است، بپردازد و همین امر، نشان‌دهنده تمایز جایگاه دادرسی جزایی و حقوقی است (۴).

۲-۲- دام‌گستری: دام‌گستری معادل کلمه انگلیسی entrapment به معنی اغفال، گمراه کردن، وادار ساختن عمدی شخص به مرتکب شدن بزه ارتكابی با هدف محکوم نمودن و یا تعقیب قانونی است (۵). دام‌گستری در مقاله حاضر روشی است که در آن مأمورین به جهت دستگیری و محکوم نمودن مظنون به صورت لزوم، از طریق دسیسه‌چینی، صحنه‌سازی، تحریک و مساعدت او را درگیر در رفتارهای مجرمانه کرده و یا به سوی مرتکب شدن بزه ارتكابی وا می‌دارد.

۲-۳- پلیس: پلیس شخصی است که مأموریت اجرا نمودن قانون را عهده‌دار می‌باشد و برگرفته از ریشه یونانی می‌باشد. ایضاً مجموعه نیروهای انتظامی یک کشور را مأمورین می‌گویند. در مقاله حاضر مأمورین کسی است که با تمسک به دسیسه‌چینی، فریب، اغفال، ارائه طرق مرتکب شدن بزه ارتكابی درصدد پرده برداشتن از آن است، اما به جهت این پرده برداشتن، ممکن است خود بزه ارتكابی جدیدی را به وجود آورد.

۲-۴- متهم: کسی است که فاعل بزه ارتكابی تلقی شده لیکن هنوز انتساب بزه ارتكابی به وی هنوز احراز نگردیده است (۶). در مقاله حاضر متهم شخصی است که به سبب کنش‌های محیطانه در معرض تحت تعقیب قرار گرفتن و کیفر قرار دارد.

۲-۵- نظام دادرسی: نظم در تعریف لغوی به معنای ترتیب و دادرسی به معنی تظلم‌خواهی و به داد مظلوم رسیدن می‌باشد (۷). نظام دادرسی که منظور ما در این مقاله نظام دادرسی کیفری می‌باشد به معنی آیین و ترتیب رسیدگی می‌باشد.

۲-۶- تعریف دام‌گستری: عده‌ای دکتربین حقوقی، دام‌گستری را متشکل از تحریک و ترغیب اشخاص به مرتکب شدن بزه ارتكابی به جهت اقامه و طرح دعوی علیه وی می‌دانند و در این راستا عقیده دارند هنگامی دام‌گستری واقع می‌گردد که مأمورین اجرای قانون در رفتار خویش، دچار سوء رفتار فاحش شده باشند (۸). در مقابل، عده‌ای دیگر دام‌گستری را عبارت از تحریک و ترغیب نمودن اشخاص به مرتکب شدن بزه ارتكابی به واسطه مأمورین اجرای قانون می‌دانند، البته اشخاصی که اگر مخاطب مورد تحریک مأمورین قرار نمی‌گرفتند، مرتکب بزه ارتكابی نمی‌شدند دام‌گستری دربردارنده اغوا و تحریک مردم به طور مقاومت‌ناپذیری به جهت مرتکب شدن بزه ارتكابی می‌باشد، در واقع حالتی است که مبادرت مأمور مجری قانون، در اثر تحریک، یک تزلزل روانی را در شخص بیگناه قانونمند به وجود می‌آورد (۹). بر همین اساس دام‌گستری عبارت است از تحریک و ترغیب یک شهروند عادی مطیع قانون به مرتکب شدن بزه ارتكابی به واسطه ظالمتین دادگستری به جهت کسب ادله و محکوم نمودن وی در دادگاه که این امر می‌تواند منجر به رفع مسؤولیت متهم، تخفیف کیفر وی و یا نادیده گرفتن ادله بشود (۱۰).

۲-۷- رویه قضایی: قواعدی که از تصمیمات محاکم به دست می‌آید «رویه قضایی» نامیده می‌شود. تصمیم هر دادگاه به شکلی رأی اعلام می‌شود، به همین جهت، آراء صادره از محاکم، رویه قضایی نامیده می‌شود. در نظام حقوقی کشور ما، رویه قضایی دارای دو معنای عام و خاص است. مجموعه آراء صادره از محاکم دادگستری در کلیه سطوح آن «رویه قضایی» به معنای عام نامیده می‌شود. آراء نوعی و کلی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مقام رفع تعارض از آراء محاکم صادر می‌کند و به جهت سایر محاکم در مسالهاات مشابه الزام‌آور است، رویه قضایی به معنای خاص نامیده می‌شود (۱۱).

۲-۸- علم قاضی: در تعریف علم قاضی آمده است که: آن قطع جازم که عقلاً این صورت لزوماً خلاف نداشته باشد نیست لیکن جهت همان اطمینان و علمی است که قاضی

که به آن حد رسیدند به صورت لزوم خلاف را به معلوم خود راه نمی‌دهند.

۹-۲- مفهوم کارشناسی: برخی دیگر بر این باورند که:

کارشناسی عملی است تحقیقاتی، که اشخاص صلاحیت‌داری را به نام کارشناسان مأمور می‌کنند تا امر مورد اختلاف را که رسیدگی به آن اطلاعات فنی خاص لازم دارد، مورد بررسی قرار دهد و نظر خود را به دادگاه اعلام دارد (۱۲).

۱۰-۲- حقوق شهروندی: حقوق شهروندی در واقع

مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و نیز اطلاقی عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند. دارنده این حقوق، یعنی شهروند، به تک تک افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند، اطلاق می‌شود، فراتر از مفهومی تحت عنوان تابعیت، بدون اعتنای به سلسله مراتب، در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسؤولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی دولت است (۱۶).

۳- محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که ما در این تحقیق با آن روبه‌رو بودیم این بود که جهت نگارش مقاله به منابع دسته اول دسترسی نداشتیم و به ناچار برای نگارش این مقاله اقدام به خرید کتبی نمودیم که می‌توانستیم آنها را در کتابخانه‌های معتبر پایتخت دسترسی داشته باشیم. محدودیت دیگر که ما با آن روبه‌رو بودیم خلاصه نمودن مبحث دام‌گستری که در این خصوص دیدگاه‌های مختلف حقوقی، رویه قضایی و ... جود دارد تبیین نمودن و گردآوری این مطالب در قالب یه مقاله با عنایت به گستردگی موضوع کار سخت و پیچیده‌ای بود.

۴- پیشینه تحقیق

درخصوص دام‌گستری موافقان و مخالفان این نهاد پژوهش‌های زیادی در داخل ایران و خارج از مرزهای کشور صورت پذیرفته است که در ذیل به تعدادی از سوابق اشاره می‌گردد.

رسیدگی‌کننده با ملاحظه محتویات پرونده به آن دست می‌یابد به گونه‌ای که اگر هر شخصی جای قاضی بود به آن دست می‌یافت. علامه حلی در این خصوص می‌فرماید: «داشتن وصف دانش و آگاهی و درجه‌ای از دانش که به جهت قضاوت لازم و ضروری است» عده‌ای از حقوقدانان بین «علم عادی» و «علم قاضی» سکون نفس و علم قاضی فرق گذاشته‌اند و علم قاضی را چیزی غیر از علم عادی دانسته‌اند (۱۲).

عده‌ای علم عادی و علم قاضی را در یک معنا دانسته‌اند و لیکن اذعان کرده‌اند: «لیکن این بحث - علم قاضی - شامل علم عادی و سکون نفس که عادتاً این صورت لزوماً خلاف آن نمی‌رود نیز می‌شود. علم قاضی در اصطلاح عبارت است از معرفت قاضی در احراز و انتساب بزه به متهم از طریق عینی و محسوس و یا ذهنی. علم قاضی هنگامی ارزشمند است که عینی و ملموس و قابل کنترل در مراجع تجدید نظر باشد.

در محور مباحث فقهی در باب علم قاضی، علمی است که علم شخصی (حاصل از مشاهده) و علم نوعی (حاصل از اسباب متعارف و محتویات پرونده) را با هم دربر می‌گیرد و فقیهان اسلامی بین این دو تمایزی قائل نشده‌اند. اگر شیخ انصاری می‌فرماید «مراد از علم، علم عادی حاصل از اسباب عادی همانند حس، تواتر امثال آن است نه علم غیب که حاصل از اسباب غیر عادی است» (۱۳).

ابو صلاح حلبی نیز می‌نویسد «بر قاضی واجب است هرگاه از طریق یکی از اسباب علم از قبیل مشاهده، تواتر، گزارش، خبر موثق یا ثبوت عصمت و امثال آن علم به صدق مدعی یا فکر پیدا کند به نفع وی حکم کند چه اینکه تمایزی میان طرق حصول علم وجود ندارد» (۱۴). این در حالی است که پاره‌ای از حقوقدانان بر این باورند که: «علم قاضی در منابع فقها و یا شق ۱۰۵ ق.م.ا. منحصر در علم شخصی است. که با توجه به آنچه بیان شد صحیح به نظر می‌رسد در میان احادیث نیز مواردی به چشم می‌خورد که اصدار حکم بر اساس علم و اطمینان قلبی را بر قاضی تجویز کرده است (۱۵). به همین دلیل مقصود از علم قاضی قطع و یقین فلسفی (چیزی که به صورت لزوم خلاف آن عقلا و عادتاً محال است) نیست لیکن جهت علم عادی یعنی علمی که اغلب مردم یک اجتماع وقتی

یا تحریک نمودن به جرم که از آن تحت عنوان دادگستری یاد می‌شود متوسل گردند این روش‌ها تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری متهم و جایگاه و ارزش قانونی آنها در مرحله اثبات جرم تأمل‌برانگیز است.

یافته‌های که در پژوهش‌های فوق مورد مطالعه قرار می‌گیرد ضمن نقاط قوتی که در آنها آشکار می‌باشد لیکن روشن است که به کلی‌گویی پرداخته‌اند و به شکلی که ما در این مقاله به آن پرداخته‌ایم که تمام جوانب را مورد ارزیابی دقیق قرار داده‌ایم یعنی هم، تحصیل دلیل کیفری ناشی از دام‌گستری مورد مطالعه قرار بگیرد و رعایت حقوق شهروندی در مراحل دادرسی در آن مورد توجه باشد انجام نشده است بنابراین این مقاله با یافته‌های پیشین جامع‌تر و کامل‌تر می‌باشد.

۵- ضرورت انجام تحقیق

حقوق شهروندی، اصطلاحی است که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان فکر، قلم و اندیشه رونق گرفته است. و با عنایت به اینکه نوظهور می‌باشد نیازمند پژوهش در این زمینه بیش از پیش احساس می‌گردد اهمیت از آنجا بیشتر می‌گردد که یکی از حوزه‌های مهمی که بر رعایت حقوق شهروندی در آن حوزه تأکیدات متعددی دیده می‌شود، فرایند دادرسی کیفری به معنای عام از هنگام پرده برداشتن از بزه ارتكابی تا اجرای کامل حکم می‌باشد. این مهم در اسناد بین‌المللی و قوانین دادرسی اکثر کشورها مورد توجه و تأکید ویژه‌ای قرار گرفته چون اساساً تعقیب، سلب آزادی، محاکمه و کیفر مهیاترین بستر به جهت نقض نمودن حقوق شهروندان به دست مأمورین و ظابطن دادگستری و به دستور قضات است و به جهت رعایت کرامت شهروندان و حفظ حقوق آنان در این حوزه باید نظارت و دقت ویژه‌ای به کار بست. قانون اساسی به‌عنوان والاترین منبع قانونی در اصول متعددی به این حقوق اشاره نموده است. از جمله اصول ۲۲، ۲۵، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۸ و ۳۹ (مصونیت، حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص از تعرض) اصل ۳۶ (قانونی بودن کیفر) و اصل ۳۷ (اصل برائت).

۱- مؤذن‌زادگان و حسنی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان: وضعیت دفاع دام‌گستری در حقوق کیفری آمریکا، فرانسه و ایران به این نتیجه رسیده‌اند که: در مواقعی که مأمورین در مبارزه با مجرمین حرفه‌ای به بن‌بست می‌رسند، زیرا بهره‌گیری از روش‌های سنتی منجر به کشف جرم نمی‌گردد و سبب به نتیجه نرسیدن تلاش‌های مقامات قضایی می‌گردد که مأمورین را به سمت دام‌گستری سوق می‌دهد.

۲- معظمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان: رویکردی تطبیقی به مسؤولیت طرفین دام‌گستری - مأمور پلیس - متهم - در حقوق کیفری ایران و آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که: بعضی از جرائم هستند از آنها تحت عنوان بدون بزه‌دیده یاد می‌شود که در این بین کشف این جرایم، مانند جرایم و تحویل ادله کاری بس دشوار و توأم با مشکلات عدیده برای پلیس می‌باشد بر همین اساس به عملیات محیلانه، که در آن‌ها پلیس با توسل به اقدامات کنشی و محرک اقدام به تحریک فرد مورد نظر می‌کند، سعی در به دام انداختن فرد یا افراد مد نظر دارند، اما در کنار این مبحث این امر هم ممکن است اتفاق بیفتد که چنانچه عملیات محیلانه حد و مرز شناخته شده‌ای نداشته باشد حتی ارتکاب جرم توسط یک شهروند عادی امکان دارد که محقق گردد دادگاه‌های آمریکا با به رسمیت شناختن دفاع دام‌گستری، اقدام به مرزبندی عملیات محیلانه نموده‌اند و قائل به تبریته متهم به دام افتاده هستند، اما در دادگاه‌های ایران رویه ثابتی در این زمینه وجود ندارد. حقوقدانان کیفری ایران برای تبریته نمودن متهم قائل به نظریه اجبار معنوی می‌باشند که این نظریه قابل خدشه به نظر می‌رسد.

۳- کاوه، محمد هادی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان: پدیده دام‌گستری پلیس در نظام حقوقی ایران به این نتیجه رسیده است که: مهم‌ترین مرحله در دادرسی کیفری کشف جرایم می‌باشد مردم عادی و پلیس بر این باورند که کشف جرم زمانی رخ می‌دهد که متهم توسط پلیس دستگیر شده و به جرم خود اقرار می‌نماید در صورتی که گاهی اوقات ضعف اقدامات پلیس با پیچیدگی‌های موجود در وقوع و نیز کشف جرم سبب می‌گردد به روش‌های دیگر مثل ترغیب یا تشویق

۶- آموزه‌های حقوق جزایی در قبال دام‌گستری در پرتو رعایت حقوق شهروندی

آیین دادرسی کیفری به‌عنوان یکی از مباحث مهم حقوق جزا دارای آنچنان اهمیتی است که گفته‌اند: اگر به کشوری ناشناخته گام نهید و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی‌های شخصی و ارزش و اعتباری که اجتماع به جهت آن قائل است باشید، کافی است به ق.آ.د.ک آن رجوع نمایید» اگر قوانین ماهوی همانند قانون مجازات اسلامی، قوانین مترقی و متناسب با مقتضیات اجتماعی و فرهنگی وضع شوند، ولی آیین دادرسی کیفری ناقص باشد و حقوق و تکالیف و مسؤولیت‌های مراجع قضایی و انتظامی به صورت دقیق روشن و معین نباشد و یا به آن اختیارات بیش از اندازه بدهد و یا بالعکس حقوق و تکالیف متهمین مشخص و معین نباشد عدالت جزایی و حقوق شهروندی به مخاطره می‌افتد. ایضاً مقررات آیین دادرسی کیفری در شکلی که در جهتی وضع شوند که متهمین به هر نحو ممکن از حقوق خود آگاهی یابند و مراجع قضایی و انتظامی مکلف و موظف به آگاهی دادن متهمین از حقوق خود از جمله حق برخورداری از وکیل و یا حقوق تأمین ایشانشان همانند حق جبران خسارت مادی و معنوی، حق سکوت، ... باشند، اجتماع می‌تواند از استقرار و تثبیت نسبی عدالت جزایی و رعایت حقوق شهروندی مطمئن باشد. ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴) در عده‌ای از موارد با تأسی از آموزه‌های اسلام و با تأکید بر شق واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز همسو با مجامع بین‌المللی و اسناد مرتبط با آنان، وضع شده که در این مقاله مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند.

۷- شروط لازم جهت تحقق دام‌گستری

به جهت اینکه اعمال مأمور مأمورین یا ضابط دادگستری، دام‌گستری به حساب می‌آید و اثراتی از این جهت بر آن بار شود باید دارای شروطی باشد. چون هرگونه مبادرت مأمورین نمی‌تواند دام‌گستری به حساب بیاید و در پی هر نوع دستگیری و مرتکب شدن بزه ارتكابی به واسطه مأمورین، متهمین به جهت تخفیف کیفر یا تبرئه شدن و مدعی به دام

افتادن به واسطه مأمور دولت باشند. شروط دام‌گستری در حقوق آمریکا عبارتند از:

۱-۷- تحریک نمودن به بزه ارتكابی: دکترین حقوقی

داخلی سه ویژگی را به جهت تحریک نمودن شخص بیان کرده‌اند بنا بر اعتقاد آنان تحریک نمودن به صورت لزوم شخصی، بدون واسطه و متمر ثمر بوده و آثار بزه ارتكابی آنانی هم بر آن مترتب گردیده باشد. علی‌هذا لازم است که در ابتدا اندیشه و تفکر مرتکب شدن بزه ارتكابی به وضوح بیان و به شخص مرتکب القا شده باشد (۲). به همین جهت، مطالب دو پهلو و ابهام‌آمیز که ذهن مباشر را به مرتکب شدن بزه ارتكابی خاص سوق ندهد تحریک کردن به حساب نمی‌آید در ثانی مخاطب، به صورت لزوم معلوم و مشخص باشد و النهایه تا زمانی که از تحریک منتج به نتیجه نگردد، یعنی بر اثر تحریک بزه ارتكابی به حدوث نیبوند (۱۷). عملی که مأمورین مرتکب شده است نمی‌توان به عنوان دام‌گستری یاد کرد. به دیگر سخن اگر بزه ارتكابی، بدون وجود تحریک مأمورین واقع گردد یا تحریک مأمورین، شخصی، مستقیم و متمر ثمر نباشد دام‌گستری محقق نخواهد شد. ایضاً به صورت لزوم توجه داشت که دام‌گستری نه به صورت لزوم تحریک‌کننده باشد، همانند اینکه ماشین‌گران بهای مفتوح و پر از جواهرات با ارزش را در جایی که سرقت‌های کم ارزش رخ داده‌اند، رها نکنیم (۴).

۲-۷- مخفیانه و محیلانه بودن عمل مأمورین: شرط

دوم به جهت تحقق دام‌گستری این است که عمل مأمورین، مخفیانه و خدعه‌آمیز باشد در بحث دام‌گستری قاعدتاً مأمور به صورت لزوم هویت خود را فاش نمی‌نماید به نحوی که یا خودش را شخصی عادی جلوه نماید و یا اینکه به جای شخصی غیر از هویت اصلی جا بزند تا در نتیجه این امر بتواند متهم را به مرتکب شدن بزه ارتكابی تحریک نماید، البته هرگونه عملیات مخفی و فریب‌آمیز مأمورین را نمی‌توان دام‌گستری محسوب کرد. فرضاً زمانی که یک جاسوس فقط به جهت کسب اطلاعات وارد یک گروه مجرمانه می‌گردد نمی‌توان گفت که وی مرتکب دام‌گستری گردیده است. چون وی دارای سایر شروط تحقق دام‌گستری از جمله شرط اول

نداشته باشد و شخص متهم بدون اعتنا به این اعمال مرتکب بزه ارتكابی گردد، دام‌گستری محقق نخواهد شد.

۸- گزارش ضابط و جایگاه آن در ادله ثبوت بزه ارتكابی

یکی از طرقی که مقام تعقیب به وسیله آن از حدوث بزه ارتكابی در حوزه فضایی خود اطلاع می‌یابد و بر این اساس و تکلیف به تحقیقات مقدماتی و اولیه دارد گزارشی است که به واسطه ضابطان دادگستری به او داده می‌شود (۲۰) در واقع گزارش ضابط دادگستری به عنوان یکی از جهت‌های قانونی شروع به تعقیب به حساب می‌آید لیکن در خصوص گسترانیدن دام توسط ضابط دادگستری گزارش ضابطان می‌تواند به عنوان دلیلی جهت اتهام به قلمداد گردد، چون در طرح‌های محیلانه از طریق گسترانیدن دام به واسطه مأمورین علی‌القاعده دلیلی دال بر منتسب نمودن عمل ارتكابی توسط متهم بزه وجود ندارد.

۹- علم قاضی در قبال دام‌گستری

در استناد به علم قاضی به صورت لزوم به نکات زیر توجه داشت:

اول اینکه آیا اعتبار ادله قانونی همانند شهادت، اقرار، اسناد و ... مطلق است یا مقید؟ به دیگر سخن، اگر قاضی علم به خلاف آن داشته باشد، چه وجهی دارد؟ اعتبار ادله قانونی مقید است به اینکه قاضی علم به خلاف آن نداشته باشد؛ چون ارزش و اعتبار ادله اختصاص به فرض جهل و شک دارد و آنچه از ادله حاصل می‌شود، رفع جهل و تردید است. به همین دلیل حجیت و اعتبار آن منحصر به مواردی است که علم به خلاف آن وجود نداشته باشد اعتماد قاضی به ادله منوط به عدم علم نسبت به مسأله است (۲۱).

علی‌ایحال گزارش ضابط را هم نمی‌توان در راستای علم قاضی بررسی نمود چون در این قبیل موارد نمی‌توان مبنای علم قاضی را که براساس فریب شکل گرفته از جانب مأمورین استناد نمود. به همین دلیل گزارش مأمورین برابر مقررات قانونی نمی‌تواند ثبوت‌کننده بزه ارتكابی باشد، البته به صورت لزوم باید توجه داشت که از مجموع مصرحه مواد ق.آ.د.ک این‌گونه برداشت می‌گردد که گزارش ضابطان دادگستری اماره قضایی به حساب می‌آید (۲۲). لذا دلایل

یعنی تحریک دیگری به مرتکب شدن بزه ارتكابی نمی‌باشد (۱۸).

۳-۷- دام‌گستری توسط مأمورین دولتی: سومین

شرط در محقق شدن دام‌گستری این است که عملیات و اعمال فریبکارانه و اغفال‌آمیز به صورت لزوم به واسطه مأمور یا مأمورین دولتی باشد نه اشخاص عادی و غیر مأمور یا اشخاصی که نماینده رسمی و قانونی مأمور به شمار نمی‌آیند. متهم هنگامی می‌تواند به دام‌گستری استناد نماید و اعلام دارد که بزه ارتكابی را تحت تحریک دیگری انجام داده که این شخص دیگر، مأمور باشد به همین جهت، اگر شخصی به واسطه شهروند خصوصی وادار به مرتکب شدن بزه ارتكابی شود، نمی‌تواند به دفاع به دام‌اندازی متمسک شود. همانند قضیه سورلز علیه ایالات متحده^۱ که در این خصوص هرچند محکوم شد، اما دادگاه عالی محکومیت وی را نقض می‌نماید.

۴-۷- علیت و ارتباط سببیت بین مأمور دام‌گستر و

بزه ارتكابی ارتكابی: شرط غایی در محقق شدن دام‌گستری علیت و ارتباط سببیت است که یکی از اجزای رکن مادی است یعنی بین فعل و فاعل و نتیجه‌ای حاصله بایستی یک ارتباط دلیل و معلولی موجود باشد (۱۹). ثبوت ارتباط علیت بین اعمال فاعل عمل انجام شده که به تعبیر دیگر از آن تحت عنوان نتیجه جرم یاد می‌گردد ضرورت دارد و این ثبوت به عهده قاضی می‌باشد. در اینجا وجود ارتباط علیت بین اعمال مأمور دام‌گستر و مرتکب شدن بزه ارتكابی مطمح نظر می‌باشد. بدین معنی که اعمال تحریک‌آمیز شخص به صورت لزوم در مرتکب شدن بزه ارتكابی به واسطه مرتکب‌شونده متمر ثمر باشد، به نحوی که اگر این رفتار نبود، بزه ارتكابی نیز واقع نمی‌گشت. به همین دلیل در مواردی که اعمال مأمور دام‌گستر، هیچ اثری در بزه ارتكابی ارتكابی به واسطه متهم

۱. سورلز نام توریستی است که در پی درخواست‌های مکرر توریستی دیگر که مأمور مخفی پلیس پیشگیری فدرال بود، مبادرت به تهیه مشروبات الکلی برای وی می‌نماید اما بلافاصله پس از انجام این کار بازداشت و محکوم می‌گردد، النهایه در دادگاه عالی آمریکا محکومیت وی نقض می‌گردد با این استدلال که مأمور در به وجود آمدن این جرم نقش داشته و نقش وی غیر قابل انکار است.

احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوک، و دستورهایی به جهت اجرای آنان است.

۳-۱۰- مغایر بودن دام‌گستری با منع تحصیل نمودن

دلیل در قبال شهروندان: به طور یقین دستگاه قضایی به طور صرف نمی‌تواند فقط به کسب دلیل توجه نماید و از سبک و سیاق تحصیل آن غافل باشد (۴). جایگاه و منزلت نظام ارزشمند قضایی، لازمه به کار بستن شیوه‌های قانونی و شرعی است و مشروع نبودن اعمال نشانه محرز از به کار بردن حيله و فریب و نیرنگ می‌باشد که در نظام دادرسی اسلامی پذیرفته و مسموع نیست. در واقع، قاضی دادگاه نه به صورت لزوم جهت محکوم نمودن بزهکار از روش‌های مرسوم را پذیرش نماید و با حيله و فریب شخصی را به سمت جرم سوق داده و در نهایت محوم نمود چه بسا که در این زمینه تلاش نماید و حکم قانون را اجرا نماید که در مواردی که به این شیوه‌ها جهت محکوم نمودن مجرمین توسط ظابطان، خود آنها را مستنداً به مواد ۱۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به جرم معاونت در جرم محکوم نماید و به صورت لزوم در این مورد با مأمورینی که از روش‌های غیر قانونی استفاده می‌نماید همکاری نماید چون این امر برخلاف جایگاه و مقام و منزلت نظام قضایی است و قبول نمودن بهره‌جویی از فریب و نیرنگ و صحنه‌های تصنعی، به ایجاد نمودن نظام مأمورینی منتهی می‌گردد که مغایر با هدف‌های نظام کشف بزه ارتكابی است. النهایه این شیوه‌های غیر شرعی و غیر قانونی ممنوع بوده چون شهروندان وقتی صحبت از دستگاه قضایی که مأمورین نیز به‌عنوان بازوهای عدالت از آن یاد می‌شود به میان می‌آید مردم به صورت لزوم احساس امنیت و آرامش خاطر داشته باشند نه اینکه ترس از این داشته باشند که مبدا مأمورین برای ما برنامه‌ای ریخته باشد که ما را مجرم قلمداد نماییم که چنانچه چنین امری در اذهان عمومی نقش ببندد مردم اعتماد خود را به دستگاه قضایی و نظام شکوهمند انقلاب اسلامی که حاصل فداکاری و از جان گذشتگی شهدای عظیم‌الشان می‌باشد از دست خواهند داد.

۴-۱۰- تعارض دام‌گستری با کار ویژه دادرسی: دادسرا

مطابق قانون مسؤول کشف بزه ارتكابی و تعقیب متهم است،

فوق می‌تواند به‌عنوان اماره مورد بهره‌جویی قاضی به جهت صدور حکم قرار گیرد. با استناد به موارد فوق نگارنده اعتقاد دارد که گزارشی که از سوی ضابطان دادگستری در مورد ثبوت بزه ارتكابی و یا تحت عنوان دلیل کیفری به صورت مستقل مطرح شود در همین راستا می‌طلبد مقنن کیفری با تعریف مفهوم عملیات محیلانه و احصا نمودن مصادیق آن به این امر که دام‌گستری هم بتواند از جمله مصادیقی باشد که قاضی بتواند آن را مبنای علم خود قرار دهد، صحه بگذارد در غیر این صورت چنانچه عملی رخ دهد خلاف قانون بود و اعتباری نزد مقام قضایی ندارد.

۱۰. دلایل منع تحصیل دلیل جزایی به شیوه دام‌گستری

۱-۱- رعایت حقوق شهروندی و توجه به عدم

تحصیل دلیل در ق.آ.د.ک: قانون جدید آیین دادرسی کیفری اهتمام ویژه‌ای به حقوق و آزادی‌های اشخاص قائل شده است به شکلی که در شق هفت این قانون می‌توان برداشت نمود این است که: رعایت حقوق شهروندی از سوی کلیه مقامات قضایی مأمورین و سایر اشخاصی که در روند دادرسی مداخله دارند ضروری می‌باشد و مقنن تکلیف به رعایت حقوق فوق نموده است

و اشخاصی که از قانون فوق تخلاف داشته باشند علاوه بر اینکه باید جبران خسارت نمایند به کیفر مقرر در شق (۵۷۰) ق.م.ا (تعزیرات و کیفرهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد و با تصویب قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ این اهتمام بیش از پیش از سوی دستگاه قضایی و نیروهای مأمورین احساس می‌گردد.

۲-۱۰- مغایر بودن دام‌گستری با اخلاق حرفه‌ای:

اخلاق (جمع خلق) مجموع طبایع و کردارهای ظاهری رفتار شخص است که به شکلی دائم و پایدار به صورت لزوم در او وجود داشته باشد. به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته‌شده که از سوی سازمانان یا مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود تا مطلوب‌ترین روابط اجتماعی ممکن را به جهت اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای مهیا آورد اخلاق حرفه‌ای گویند (۷). این اخلاق دربرگیرنده مجموعه‌ای از

«حقوق اشخاص از تعرض مصون می‌باشد به جز در شرایطی که قوانین موضوعه تجویز نماید در ایران اشخاص از حقوق مختلف بهره‌مند می‌باشند که نمونه آن حقوق آزادی اندیشه و عقیده می‌باشد» (۲۴). در این خصوص می‌توان به ابتدای این اصل استناد نمود که به بی‌اعتباری بر دام‌گستری تأکید نموده‌اند.^۱

۱. اصل ۲۳ نیز تفتیش عقاید را ممنوع می‌داند، به‌کارگیری حيله و فریب به جهت تحصیل دلیل علیه اشخاص نوعی تعرض به حقوق آن‌هاست. محاکمه عادلانه یکی دیگر از حقوق اشخاص است که به صورت لزوم رعایت شود، در متون قانونی هم هیچ‌گاه این حق از اشخاص سلب نشده، مع‌الوصف ممکن نیست قاضی به‌عنوان مجری عدالت این حق قانونی را از شخص سلب کرده و مبادرت به کیفر شخصی نماید که ادله جمع‌آوری شده علیه او از راه غیر مشروع مهیا شده است. تا قبل از ثبوت بزه‌کار بودن یک متهم به وسیله ادله ارزشمند، او به صورت لزوم بی‌گناه فرض شود. اصل ۳۳ قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند» با فقدان نص صریح قانونی در مورد جواز دام‌گستری در پرده برداشتن از بزه ارتكابی، دستگیری به طریق دام نهادن می‌تواند نوعی دستگیری غیر قانونی قلمداد شود. نمی‌توان در مورد متهمی که روش گردآوری دلایل علیه وی قانونی نبوده، انتظار داشت اگر رأیی درخصوص او صادره شود، آن رأی منصفانه باشد اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به کیفر به صورت لزوم به موجب قانون باشد». همچنان‌که حکم به کیفر به صورت لزوم به موجب قانون باشد، روش گردآوری دلیل علیه متهم هم به صورت لزوم به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷ قانون اساسی: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون بزه ارتكابی شناخته نمی‌شود مگر اینکه بزه ارتكابی او در دادگاه صالح ثابت گردد». فرآیند تعقیب و محاکمه به صورت لزوم بر اساس اتهامی که در چهارچوب قانون به متهم منتسب شده یا ادله‌ای که به موجب قانون علیه او تحصیل گردیده انجام شود، از این‌رو تعقیب و محاکمه متهم برخلاف آنچه که بیان گردید مغایر با اصل برائت است، چون در فرض نبود ادله قانونی که اتهام را به متهم منتسب نماید، اصل بر برائت خواهد بود، ایضاً صالح بودن دادگاه هیچ وقت بدین معنا نیست که ادله جمع‌آوری شده علیه متهم نیز صلاحیت محاکمه شخص را دارد، اقتضای صالح بودن دادگاه این است که اگر تشخیص دهد بزه ارتكابی به طریق غیر قانونی پرده برداشتن از شده صراحتاً آن را غیر قابل پیگرد اعلام کند.

اصل ۳۸ قانون اساسی با تأکید بر اینکه هرگونه شکنجه به جهت گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، مستقیماً بر روش‌های مشروع به جهت ثبوت بزه ارتكابی تأکید می‌کند، هرچند ممنوعیت به‌کارگیری دام‌گستری در این اصل به صراحت بیان نشده اما می‌توان دریافت که قانون اساسی ما همواره بر روش‌های قانونی جهت پرده برداشتن از یا ثبوت بزه ارتكابی تأکید می‌ورزد.

دادسرا به صورت لزوم بزه ارتكابی را کشف و تعقیب کند که ارکان متشکله آن تحقق یافته باشد (۲۳) در فرضی که دام‌گستری به جهت پرده برداشتن از بزه ارتكابی تجویز می‌گردد در عده‌ای فروض عنصر تشکیل‌دهنده بزه ارتكابی به وجود نخواهد آمد، به همین دلیل تمام اعمال بعدی دادسرا چه تا صدور کیفر خواست و چه پس از صدور کیفر خواست یا هنگام دادرسی بی‌فایده خواهد بود. درست است که دادسرا در محاکمات جزایی جانب دعوای عمومی و مدعی آن است، لیکن نه مدعی که سعی دارد به هر نحو شده حرف خود را بقبولاند و اسباب محکوم نمودن شخص متهم را فراهم نماید دادسرا به صورت لزوم باید همانند یک ماشین بی‌اراده و بی‌روح، بزه‌های را تحت پیگرد قرار دهد و صرفاً خواهان اجرای مجازات مجرم باشد (۲۳).

استفاده عملیات دام‌گسترانه از سوی دادسرا فقط به دنبال تحصیل نمودن دلایل علیه متهم هست و از رسالت دیرینه خود که همانا حفظ آزادی‌های قانونی متهم می‌باشد با ترویج دام‌گستری و عملیات محیلانه این حقوق و آزادی‌ها زیر نهاده خواند شد.

۵-۱۰- عدم اعتبار مستندات حاصل از دام‌گستری

در قوانین موضوعه: در کشور ما قانونی که صراحتاً عملیات مأمورینی به شکلی که برای اشخاص دام پهن نمایند و آنها را به سمت جرم سوق دهند پیدا نمی‌شود، زیرا همان‌گونه که گفته شد قوانین ما از شرع مقدس اسلام اخذ گردیده است که رعایت حقوق شهروندان و احترام به حریم خصوصی و امنیت و آرامش آنها در اولویت می‌باشد و چنانچه در مواردی از طرف متهم یا از طرف وکیل وی دام‌گستری مطرح گردد ارزش دلالی که از این طریق تحوی گردیده را قطعه و یقیناً زیر سؤال خواهد برد در هر صورت با مطالعه حقوق موضوعه در ایران نمی‌توان جایی را پیدا نمود که دام‌گستری را تجویز نموده باشد. لیکن تضمیناتی هرچند به شکلی ناقص در خصوص عدم اعتبار و استناد به استنادات حاصل از دام‌گستری وجود دارد که در ذیل مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱۰-۱ اعتبار مستندات حاصل از دام‌گستری در

قانون اساسی: اصل ۲۲ قانون اساسی اشعار می‌دارد که

قرار بزه‌کار بودن کسی را صادر نماید به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهد شد.^۲ شق ۵۷۰ ق.م.ا نیز بر این امر تأکید دارد.^۲

۱-۳-۵-۱۰- رویه قضایی در قبال تحصیل دلیل جزایی ناشی از دام‌گستری: در این خصوص هرچند قوانین موضوعه دام‌گستری را نپذیرفته‌اند و مقنن نیز در این مورد ماده خاصی در قانون پیش‌بینی ننموده است لیکن رویه قضایی برخلاف قوانین موضوعه عمل می‌نماید فرضاً مورد صراحتاً در کشف ارتشا تجویز می‌گردد (۲۶). به نظر نگارنده انتقادی که به رویه قضایی می‌توان داشت این است که: وقتی عملی نامشروع و قانونی نباشد (هرچند از سوی آمر قانونی) باشد استناد به آن نیز ضروری به نظر نمی‌رسد ما در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تابع اصول هستیم و خطیرترین اصل در حوزه حقوق کیفری اصل قانونی بودن جرم و مجازات است وقتی که در قانون قانونگذار محترم صراحتاً دام‌گستری را پیش‌بینی ننموده است بنابراین استناد و اتکای به آن مشروع و قابل پذیرش نخواهد بود قانونی پناهگاهی امن برای شهروندان می‌باشد و تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های مشروع آنها می‌باشد و در جهت حفظ این حقوق بنیادین بشری نمی‌توان برخلاف قانون قاعده حقوقی در نظر بگیریم چون رویه قضایی به صورت لزوم متکی به قانون می‌باشد (۲۵).

با عنایت به اینکه مطابق قوعد آیین دادرسی کیفری اعمال و رفتار ظابطین و مأمورین تحت نظر دادسرا انجام می‌شود در این خصوص چنانچه مقامات دادسرا دستور به انجام عملیات محیلانه را صادر نمایند در تداخل با مواد قانون مجازات اسلامی می‌باشد فرضاً وقتی مقامات قضایی در جهت دستگیری مظنونین و کشف جرم دستور می‌دهند که دام‌گستری در این مورد خاص صورت بپذیرد و وسایل مورد نیاز را در نزد مأمورین می‌گذارند در این صورت به نحوی

۲. هریک از مقامات و مأمورین ق.م.ا وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی اشخاص ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱۰-۵-۲. ق.آ.د.ک در قبال تحصیل دلیل از طریق دام‌گستری: با نگاهی به ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ مشاهده می‌شود با وجود اینکه مقنن دام‌گستری را تجویز یا رد ننموده است و به نحوی ضمنی در مواد ۲، ۴، ۴۳ خود بر لزوم رعایت حقوق اشخاص تأکید نموده است. ایضاً در تبصره شق ۲۴۸ قانون فوق‌الاشعار با در نظر گرفتن سیاست قضایی افتراقی، بین بزه‌های سازمان‌یافته و دیگر بزه‌ها تمایز قائل شده و متهمین این نوع بزه‌ها را تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن از داشتن وکیل محروم نموده است، البته در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به موارد دیگر در این خصوص نیز اشاره شده است.^۱

۳-۵-۱۰- اعتبار مستندات حاصل از دام‌گستری در

رویه قضایی: شکل کلی اتخاذ تصمیم مکرر قضایی که درخصوص موردهای با شرایط تقریبی یکسان به لحاظ الزام معنوی و یا الزام قانونی مبنای حکم مرجع صالح قضایی قرار می‌گیرد رویه قضایی می‌باشد (۲۵). شق ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی با

۱. شق ۲: دادرسی کیفری به صورت لزوم مستند به قانون، منصفانه و عادلانه باشد، حقوق جانبین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شروط مساوی به سبب ارتکاب بزه‌های مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به شکلی یکسان اعمال شود. شق ۴: اصل، برانت است. هرگونه مبادرت محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص مجاز نیست، مگر به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، در هر شکلی این اعمال نه به صورت لزوم به شکلی اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. شق ۴۳: هرگاه قرائن و امارات مربوط به حدوث بزه ارتکابی مورد تردید بوده یا اطلاعات ضابط دادگستری از منابع موثق نباشد، آنان به صورت لزوم پیش از اطلاع به مقام تعقیب، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورده، نتیجه را گزارش دهند. مقام تعقیب با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. تبصره شق ۴۸: اگر شخص به دلیل مرتکب شدن یکی از بزه‌های سازمان‌یافته و با بزه‌های علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و یا بزه‌های مربوط به مواد مخدر و روانگردان، تحت نظر قرار گرفته باشد، امکان ملاقات با وکیل را تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن نخواهد داشت.

مرتکب عملیات محیلانه شده و معاونت در عمل از سوی شخصی که مظنون می‌باشد محقق می‌گردد از بعد دیگر نیز این مورد با استناد به شق ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی، صدور قرار مبنی بر بزه‌کار بودن خلاف قوانین موضوعه خواهد بود چون که مشروعیت عملیات دام‌گستری صراحتاً از سوی مقنن تجویز نشده است و قاضی که عالماً و عامداً اقدام به صدور رأی غیر مستند نماید مطابق شق ۱۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ مجازات این رفتار کیفر انتظامی درجه چهار تا هفت می‌باشد بنابراین بنا به عقیده نگارنده تا زمانی که صدور رأی بر مبنای عملیات محیلانه، تا قبل از اینکه قانونی آن را به طور صریح قانونی قلمداد کند، همواره غیر مستدل می‌باشد.

۲-۳-۵-۱۰- بررسی مسؤلیت مأمور در راستای عملیات دام‌گستری: مسأله‌ای که در این خصوص مورد توجه است این است که چنانچه مأمور در عملیات دام‌گستری شرکت نماید آیا مسؤلیت کیفری دارد؟ وقتی مواد قانونی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و صراحتاً به دام‌گستری استناد و تجویز نشده است لذا وقتی متهم استناد نماید که با تحریک مأمور این رفتار یا عمل را انجام دادم این امکان وجود دارد که مأمور در مظان اتهام بزه ارتكابی قرار بگیرد چون بند ۱ شق ۴۳ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۷۰ و بند الف شق ۱۲۶ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «هر کسی دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به مرتکب شدن بزه ارتكابی کند یا با دسیسه یا فریب یا سوء بهره‌جویی از قدرت موجب حدوث بزه ارتكابی شود» در شکلی که رفتار وی تأثیرگذار واقع گردد وجود قصد مشترک مفروض است معاون در بزه ارتكابی به حساب می‌آید و مستحق کیفر دانسته است.

در مواردی این صورت لزوماً وجود دارد که به استناد شق ۵۷ و بند ۱ شق ۵۶ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۷۰ و مواد ۱۵۸ و ۱۵۹ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲، امری که در مغایر با شرع و قانون باشد از جمله دلایل کیفری خارج بوده و نمی‌توان به آن استناد نمود با این اوصاف چنانچه مأمور به آن اشکال غیر شرعی و غیر قانونی کسب دلیل نماید مسؤول خواهد بود لازم به ذکر است برای تحقق معاونت تبانی، وحدت قصد و تقدم و

اقتران زمانی نیز لازم و ضروری به نظر می‌رسد و شروط دیگر نیز دارد و آن اینکه از تحریکی که صورت می‌گیرد به صورت لزوم غیر مستقیم نباشد در واقع به صورت لزوم اندیشه جرم به شخص غلبه نماید و تحریکی که صورت می‌پذیرد به صورت لزوم به صورت لزوم شخصی باشد. در ضمن اگر تحریک، تأثیرگذار نباشد، معاونت رخ نداده است. با عنایت به اینکه عده‌ای اعتقاد دارند که عمل مأمور دام‌گستر، مشمول عمل معاونت در بزه ارتكابی به حساب می‌آید لذا به جهت تحقق بزه ارتكابی معاونت، ضروری به نظر می‌رسد که ارکان متشکله جرم (عناصر قانونی، مادی، روانی) در کنار هم قرار گیرند تا بتوانیم عمل مأمور را مصداق ماده ۱۲۶ ق.م.ا در باب معاونت بدانیم.

۳-۵-۱۰- حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه‌کننده در اختیار مقام تعقیب: متهم حق دارد از دلایلی که در زائل نمودن مسؤولیت کیفری وی دخیل هستند آگاهی داشته باشد و این حق در قوانین موضعه پیش‌بینی گردیده است آگاهی از این حقوق تضمین دادرسی عادلانه را فراهم می‌سازد و با ضوابط قانونی در سطوح مختلف در نظام قضایی عدالت‌محور همخوانی دارد (۲۷). این حق در بردارنده شاخصه جهان‌شمولی، ذاتی و غیر قابل سلب است (۲۸). انسان به خاطر کرامت ذاتی از عده‌ای «حق‌های بنیادین برخوردار است که در اسناد بین‌المللی بازتاب یافته‌اند» از این منظر «حقوق دفاعی متهم در چارچوب دادرسی عادلانه قرار می‌گیرد» که مبتنی بر «اصل برابری سلاح‌ها» (۲۹). و متأثر از «الگوی جهانی باشد». بر همین اساس، مقررات دیوان جزایی نیز با تمایل به الزامات نظام اتهامی و براساس الگوی مذکور تدوین گردیده است. در همین راستا وقتی چنین شخصی به‌عنوان متهم، حقوقی به اشکال فوق دارد حفظ کرامت انسانی، احقاق حق و ایضاً حفظ حقوق شهروندی به طریق اولی نمی‌توان به جهت وی دام‌گستری رو تجویز نمود. چرا که رسالت دستگاه قضایی احترام و ژوه در جهت پیشگیری از جرم و حفظ حقوق شهروندان در جامعه می‌باشد. و با دام گسترانیدن برای شهروندان از رسالت اصلی خود دور گردیده و زمینه قانون‌گریزی را به جامعه تزریق می‌نماید.

۱۱. از رسالت مأمورین با برقراری حفظ نظم و امنیت تا دام‌گستری

یکی از خطیرترین رسالت‌های هر حکومت در قبال شهروندان حفظ نظم و امنیت و پیشگیری از بزه‌های است. بخشی از این تکالیف به استناد شق ۳ و بندهای ۱ و ۲ شق ۴ قانون تشکیل ناجا (مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۱۶) به نیروی انتظامی سپرده شده است و با توجه به مشکلاتی که بزهکاران در سطح اجتماع می‌آورند شقوق «د» و «۵» بند ۸ شق ۴ قانون نیروی انتظامی به دو چالش پیشگیری نمودن از جرم و پرده برداشتن از بزه ارتكابی به‌عنوان اصلی‌ترین تکالیف نیروی انتظامی اشاره نموده است بر همین اساس مأمورین بدون وقفه و با سرعت تما در جهت کشف جرم می‌کوشد لیکن با عنایت به اینکه این امر به راحتی و با اتکا به وسایل سنتی در کشف جرم امکان‌پذیر نیست ممکن است دست به اعمالی بزند که خروجی آن دستگیری و کشف گسترده از جرائم ارتكابی باشد لیکن رسالت دیگر خود را که پیشگیری از جرم می‌باشد را خدشه‌دار می‌نماید (۱۰). اداره حقوقی قوه قضاییه در چندین مورد از استعلامات در این خصوص جواب داده که فرضاً در پرداخت وجه از طرف مأمورین در ارتشا اگر برای کشف جرم باشد مأمور مسؤولیت ندارد یا در مورد دیگر بیان نموده است اگر کار مأمور در پست بازرسی باشد و عمل وی به قصد ارزیابی مأمورین باشد مشمول قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس می‌باشد (۲۵). در هر حال با استناد به منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ و همچنین قوانین موضوعه، تجسس نمودن در زندگی شخصی و رو آوردن اعمال ناپسند اجتماعی که نتیجه‌ای جز ترویج فساد و فحشا نداشته و مخالف نص صریح قانون و شرع مقدس نیز می‌باشد (۱۰).

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این مقاله با مطالعه کتب و مقالات مشابه می‌توان گرفت به شرح ذیل می‌باشد:

قوانین جزایی در نظام حقوقی و دادرسی کیفری برگرفته از شرع مقدس می‌باشند در اسلام حفظ حریم خصوصی و رعایت حقوق شهروندی و ایضاً سرپوش نهادن بر گناهان

شهروندان توصیه گردیده است وقتی در دین اسلام مجوز افشای بزهکاری کسی صادر نگردیده ما حق نداریم حریم خصوصی افراد و آرامش شهروندان را به هم بریزیم چرا که می‌خواهیم جرمی را کشف نماییم؟ به چه قیمتی؟ درواقع ما برای کیفر رساندن مجرمین و همچنین نحوه تحصیل دلیل کیفری تابع قانون می‌باشیم لذا در جایی که قانون و شرع هیچ‌گونه مجوزی دال بر تحصیل دلیل به روش دام‌گستری صادر نکرده‌اند این رفتار خلاف قانون به صورت لزوم منسوخ گردد و وظیفه مقام قضایی است که در مواردی که علم قاضی به ستمی هدایت می‌گردد که تحصیل دلیل از راه غیر قانونی بوده است تحصیل گردیده است حکم به بی‌اعتباری دلیل بدهد چرا که ایشان با تکیه بر شرف و وجدان خود رأی صادر می‌نماید لیکن در ق.آ.د.ک مصوب سال ۹۲ به طور ضمنی ظابطین دادگستری و مقامات قضایی از دام‌گستری گریخته‌اند. علاوه بر مواد از پیش گفته شده در قانون فوق‌الاشعار، مواد ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۱۰۲، ۱۳۷ و ۱۸۵ تکالیفی را به جهت ظابطین مشخص کرده‌اند که به طور ضمنی آنان را از تمسک به دام‌گستری منع کرده‌اند.

در همین خصوص دلایلی جهت منع تحصیل دلیل جزایی به شیوه دام‌گستری وجود دارد که ما را از تحصیل دلیل به این روش منع می‌نماید. (۱) ما برای تحصیل دلیل تابع قانون هستیم و نمی‌توانیم خلاف موازین قانونی و شرعی عمل نماییم و دام‌گستری در جهت رعایت حقوق شهروندی و توجه به عدم تحصیل دلیل در قانون آیین دادرسی کیفری، منع گردیده است. بنابراین حتی اگر به این روش مأمورین موفق به تحصیل دلیل گردند با عنایت به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری تحصیل دلیل به این شیوه منع گردیده است برای مقام قضایی مستند و قابل پذیرش نخواهد بود. (۲) تحصیل دلیل نمودن به روش دام‌گستری مغایر با اخلاق حرفه‌ای است بنابراین توسل به دام‌گستری که در نزد مردم امین و مورد اعتماد و درواقع پناه امن شهروندان می‌باشند که به سلوک و رفتار شایسته زبانزد هستن شایسته نیست که به حيله، فریب و تقلب برای به دام انداختن متهمین متوسل گردند و باید فنون حرفه‌ای خود را در کشف جرم بالا ببرند. (۳) روشن است که دستگاه

دلیل به شیوه‌های غیر قانونی و غیر مرسوم جهت کشف جرم پناه ببرند.

۳- به قضات شریف پیشنهاد می‌گردد که در این موارد چنانچه تحصیل دلیل از راه عملیات محیلانه و غیر قانونی تحصیل شده بود به هیچ وجه دلایلی که از راه غیر قانونی تحصیل شده است را نپذیرند تا از تکرار این پدیده ممانعت به عمل بیاید و حریم خصوصی و حقوق شهروندی شهروندان رعایت گردد.

قضایی رسالت خود می‌داند که همان‌گونه که به تحصیل دلیل اهمیت می‌دهد به نحوه تحصیل آن هم اهمیت می‌دهد و تحصیل دلیلی که از راه غیر مشروع به دست آمده باشد فاقد وجاهت قانونی و قضایی می‌باشد. و در همین خصوص قانون صریحاً به بیان مغایر بودن دام‌گستری با منع تحصیل نمودن دلیل در قبال شهروندان استناد نموده که دلیلی که از این روش حاصل گردد مشروع نمی‌باشد. (۴) چهارمین دلیلی که سبب منع تحصیل دلیل می‌باشد تعارض دام‌گستری با رسالت ویژه دادسرا می‌باشد با استناد به قوانین موضوعه خاصه قانون آیین دادرسی کیفری وظیفه دادسرا کشف جرم و تعقیب متهمین می‌باشد که با داگستری در تضاد می‌باشد علاوه بر این با تجویز دام‌گستری به جهت کشف جرم در اکثر موارد عناصر تشکیل‌دهنده بزه ارتكابی حادث نمی‌گردد، به خاطر همین موضوع کلیه اقدامات آتی که در دادسرا محقق می‌گردد بی‌فایده خواهد بود و مستند و قانونی و قابل پذیرش جهت مقام قضایی نخواهد بود. (۵) پنجمین دلیلی که در این خصوص می‌توان به آن استناد نمود که عدم اعتبار مستندات حاصل از دام‌گستری در قوانین موضوعه می‌باشد که در تمامی قوانین خصوصاً قانون اساسی در اصل ۲۲، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دام‌گستری پیش‌بینی نشده است بنابراین تجویز روشی که در قوانین موضوعه پیش‌بینی نشده است که استناد به آن خلاف موازین قانونی می‌باشد.

پیشنهادات

۱- به دستگاه قضایی و قوه مقننه پیشنهاد می‌شود که به صورت رسمی توسل به دام‌گستری را ممنوع اعلام نماید و تنها استثنای آنها در خصوص برخی جرایم، از جمله جرایم سازمان‌یافته و فراملی و جرایم ارتكابی توسط مجرمین حرفه‌ای باشد که توسط ماده واحده‌ای باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲- به ناجا پیشنهاد می‌گردد که برای مأمورین انتظامی دوره‌های حرفه‌ای کشف جرم را با کمک از صاحبان فن و کارآگاهان برگزار نماید که آنها مجبور نباشند برای تحصیل

References

1. Largie, Jean, French Criminal Procedure Code, translated by Hassan Kashefi Ismailzadeh, first edition, Tehran, Ganj-e-Dane: 2003. p. 73.
2. Golduzian, Iraj, Evidence of litigation, Mizan Publishing, second edition: 2014. p. 286.
3. Jafarian, Zahra and Amirkhani, Zeinab (2007) Justice Officers Organization, Justice Monthly, Vol. 61, Year 11: 2007. p. 49.
4. Tadayon, Abbas, Evidence in Criminal Procedure, Mizan Publishing, Second Edition: 2016. p. 55-88.
5. Rafiei, Mohammad Taghi, Majd Legal Culture, Majd Publications, seventh edition: 2016. p. 186.
6. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, Legal Terminology, Ganj-e-Danesh Library Publishing, 15th Edition: 2015. p. 116.
7. Moin, Mohammad, Farhang-e Farsi, one volume, Sarayesh Publishing, 11th edition: 2008. p. 662.
8. Bryan a. Garner, black's law dictionary, 9th edition, westpublishin ublishing: 2009. p. 172.
9. Paul m. Hughes what is wrong with entrapment?, the southern journal of: 2004. p. 138.
10. Moazami, Shahla and Golduzian, Hossein and Vahid Dastjerdi, Fatemeh, "A Comparative Approach to the Liability of Animal Husbandry in Iranian and American Criminal Law", Quarterly Journal of Disciplinary Knowledge, Year 13, Issue 4: 2012. p. 146.
11. Islampanah, Ali Judicial procedure as a source of law. Islami Panah Ali, Legal Research Quarterly, Vol.21: 2018. p. 243.
12. Rezaei, Hamzeh-Mami, Behrooz Alam Ghazi, first edition, Giva International Publications, Tehran: 2019. p. 20.
13. Ansari, Morteza Makaseb, Qom: World Congress in honor of Sheikh Morteza Ansari, first edition, 1415 AH. p. 93.
14. Halabi, Abul Salah Approximation of Knowledge, published by Fars Tabrizian Hassoun, (Qom) 1996. p. 432.
15. Najafi, Mohammad Hassan Jawahar al-Kalam, vol. 40, Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi: 1948. p. 344.
16. Seyyed Reza Doa Khan et al Jurisprudential and legal study of interference in crimes, the first national conference on advocacy, ethics, jurisprudence and law: 2014. p. 1.
17. Ardabili, Mohammad General Criminal Law, Volume One, Mizan Publishing, Seventeenth Edition: 2020. p. 1.
19. Nilson, John Of Outlaws and Offloads: A Case for derivative Entrapment, bostoncollege law review, volume 37, No. 4: 2005. p. 20.
20. Hock lai ho state entrapment, legal studies, the society of legal scholars: 2011. p. 73-75.
20. Khaleqi, Ali riminal Procedure Code, Danesh Maham Publications, 1st Edition: 2016. p. 49.
21. Bahrami, Bahram The validity of the judge's knowledge in the number of evidence, Hamiat newspaper, No: 2012. p. 4.
22. Zeraat, Abbas Code of Criminal Procedure in the current legal order, third line publication, third edition: 2011. p. 101.
23. Akhundi, Mahmoud; 2015, Criminal Procedure of the Prosecutor's Office and Indictment, Publication of the Printing and Publishing Organization, Volume 6, Second Edition: 2015. p. 54-60.
24. Shabani, Qasim Fundamental Rights and Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran, Information Publications, 23rd Edition: 2016. p. 112.
25. Madani, Sayyid Jalaluddin; 2016, Judicial Procedure, Paydar Publications, seventh edition: 2016. p. 3.
26. Judicial and Legal Deputy Judicial Inquiries of Judges of the Judicial Organization, Pooneh Publishing, First Edition: 1999. p. 1.
27. Ashouri, Mohammad Criminal Procedure, Volume One, Tehran, Samat Publications: 2001. p. 144.
28. Qari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad, "Fundamentals of Ethical Justification of Contemporary Human Rights", Journal of Legal Research, Vol. 25 and 26: 2002. p. 167.
29. Najafi Aberandabadi, Ali Hossein, 2002, Lectures on Organized Crime, M.Sc., Shahid Beheshti University: 2002. p. 8.